

و دانشگاه (به‌عنوان مثال در زمینه‌های اقتصاد اسلامی، جامعه‌شناسی اسلامی، روان‌شناسی اسلامی و...) مشاهده می‌شود که ان‌شاءالله نویدبخش آینده‌ای روشن است، اما همچنان ما از علوم انسانی بومی-اسلامی که توانایی کامل در حل مسائل جامعه‌مان را دارد، فاصله داریم. امیدواریم که جشنواره فارابی نیز از طریق شناسایی محققان و تحقیقات مطرح در عرصه علوم انسانی بومی-اسلامی، بتواند سهم خود را در این باره ادا کند.

آیا جشنواره فارابی توانسته موجبات حضور فعال اهالی علوم انسانی در عرصه کمک‌های علمی به مدیریت کشور را فراهم کند؟

به نظر نمی‌رسد جشنواره تاکنون به چنین موفقیتی دست یافته باشد و باید بسیار بیش از این تلاش کند. البته این نکته را نیز عرض کنم که فضای مدیریتی در کشور ما از فضای علمی هنوز فاصله دارد. این نیز خود شاید معلول دو عامل باشد: نخست اعتماد حداقلی فضای مدیریتی کشور به یافته‌های علوم انسانی و دوم توانایی حداقلی یافته‌های علوم انسانی در حل مسائل مدیریتی کشور. می‌خواهم عرض کنم که مشکل از هر دو ناحیه است و نباید صرفاً یک طرف را مقصر دانست. لذا حل این مشکل یا به تعبیر دقیق‌تر معضل، در گرو نزدیک شدن و اعتماد بیشتر فضای مدیریتی کشور به فضای علوم انسانی و نیز کاربردی‌تر و گره‌گشا‌تر شدن یافته‌های علوم انسانی است، به نحوی که توان حل چالش‌های مدیریتی را پیدا کند.

چشم‌انداز جشنواره فارابی را چطور ارزیابی می‌کنید؟ چه برنامه تحولی برای جشنواره در راستای کاربردی تر شدن آن وجود دارد؟

جشنواره فارابی هم‌اکنون نیز از جایگاه خوب و موجهی در میان اهل علم در فضای آکادمیک برخوردار است. خروجی جشنواره فارابی، گاه در فرآیند ترفیع و ارتقای اعضای هیات علمی دانشگاه‌ها موثر است. حمایت‌نهادهای مهمی همچون بنیاد ملی نخبگان، یونسکو، آی‌سی‌اسکو و... گاه ناظر به خروجی‌های این جشنواره انجام می‌گیرد. اما قطعاً نباید به این مقدار بسنده کرد. آنچه مشابه چشم‌انداز این جشنواره تلقی می‌شود، دستیابی به جایگاه شایسته آن در سطح ملی و بین‌المللی است، به نحوی که این جشنواره در کل دنیا به‌عنوان مرجع قطعی، مطمئن و کاملاً معتبر در شناساندن محققان و آثار برتر علوم انسانی و اسلامی تلقی شود. اکنون از این چشم‌انداز فاصله داریم؛ اما امیدواریم این مهم نیز تحقق یابد.

راجع به برنامه تحولی نیز عرض کردم که طرحی با عنوان طرح اعتلای جشنواره بین‌المللی فارابی تنظیم و تقدیم مسئولان دبیرخانه جشنواره کرده‌ایم که اکنون در دست مطالعه و احیانا تکمیل است. در این طرح، برخی وظایف را پیشنهاد کرده‌ایم که می‌تواند جشنواره را در تراز بالاتری از آنچه هست، قرار دهد؛ از جمله برپایی نکوداشت‌های علمی و تجلیل از اندیشمندان و پژوهشگران عرصه تولید علوم انسانی اسلامی و بومی، ایجاد شبکه نخبگانی از طریق تداوم برگزاری جلسات گروه‌های علمی پانزده‌گانه جشنواره، تداوم ارتباط با برگزیدگان بخش بین‌الملل جشنواره و تعریف نشست‌های علمی با حضور آنان به‌صورت فیزیکی یا وبینار، تأسیس مجله علمی جشنواره، برگزاری کرسی‌های علمی و ترویجی در زمینه علوم انسانی بومی-اسلامی.

نسبت جشنواره فارابی با جامعه چیست؟ پژوهش‌های خوبی در حوزه علوم انسانی اتفاق می‌افتد اما کمتر در حوزه اداره کشور به کار گرفته می‌شود یا با جامعه نسبت پیدا می‌کند، آیا جشنواره می‌تواند به این امر کمک کند؟

قبلاً باره نسبت جشنواره فارابی با جامعه و اداره کشور، توضیحاتی عرض کردم. این واقعا معضل بزرگی است، اما معلول عوامل متعددی است که جشنواره فارابی دخالتی در آنها ندارد. آنچه جشنواره می‌تواند در این راستا انجام دهد، شناساندن محققان و تحقیقاتی در عرصه علوم انسانی و اسلامی است که دارای ظرفیت کمک به اداره کشور و حل مسائل جامعه هستند و متعاقباً تشویق و ترغیب هرچه بیشتر آنها و الگوسازی از آنها.

ارزیابی جناب‌عالی از استقبال استادان و محققان از جشنواره سیزدهم چگونه است؟

البته به‌نظم شرایط کرونایی و درگیری‌هایی که این رخداد برای همگان ایجاد کرد، قدری تأثیر منفی بر استقبال محققان داخلی و حتی خارجی از جشنواره سیزدهم داشت؛ چون دست کم تعداد آثار وارد شده به دبیرخانه جشنواره، قدری کمتر از دوره‌های قبلی بود. اما در مجموع، همان‌طور که قبلاً عرض کردم، جشنواره فارابی جایگاه مطلوب و اعتبار قابل قبولی در نظام آکادمیک کشور اعم از دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌های علوم انسانی و اسلامی دارد و لذا امید می‌رود در ادوار بعدی، این استقبال بیشتر و گسترده‌تر شود.

از نظر جناب‌عالی چه نسبتی میان جشنواره فارابی و تحول بنیادین در علوم انسانی برقرار است یا باید برقرار باشد؟

مسئله تحول در علوم انسانی و حرکت به‌سوی تولید علوم انسانی بومی-اسلامی به هر حال از ضروریات جامعه ماست. اگر بنا باشد علوم انسانی به حل مسائل مختص به جامعه ما بپردازد، در این صورت اگر این علوم، بومی و اسلامی شوند، طبعاً به‌وجه‌بهتری توانایی حل مشکلات ما خواهند داشت. البته این بدان معنا نیست که باید علوم انسانی غربی را کنار گذاشت، بلکه منظور این است که ضمن بهره‌گیری از دستاوردهای مثبت و مفید این علوم، باید از رهگذر نقادی آنها، به سمت تولید علوم انسانی بومی-اسلامی حرکت کرد، علومی که دقیقاً ناظر به جامعه و فرهنگ ما باشد. البته این کاری بس دشوار است، اما این دشواری نباید مایه توقف و رکود ما شود. قبلاً نیز عرض کردم آنچه در این میان به جشنواره فارابی مربوط است، شناساندن محققان برتر در عرصه علوم انسانی بومی-اسلامی به جامعه علمی داخل و خارج کشور و تشویق و الگوسازی آنهاست.

در خصوص شاخص‌ها و ملاک‌های ارزیابی آثار علمی در جشنواره، تا چه حد دانش علم‌سنجی در دنیا مدنظر بوده است؟

به‌طور کلی، ارزیابی علمی در کشور ما تا حد زیادی تابع یافته‌های دانش علم‌سنجی در دنیا است و طبعاً جشنواره فارابی نیز از این قاعده مستثنی نیست. این از یک جهت خوب است و از جهت دیگر مشکلاتی به‌همراه دارد: نقطه‌قوت دانش علم‌سنجی در دقت کمی آن در مقام مقایسه است (چون اگر خواهیم هر کیفیت علمی را با کیفیات علمی دیگر مقایسه کنیم، معمولاً چاره‌ای نداریم جز اینکه کیفیت را به کمیت تبدیل کنیم) و اینکه علم‌سنجی به‌هر حال ارزیابی‌های علمی را بی‌ضابطگی (که ممکن است به آثار شایسته علمی بینجامد) خارج می‌کند. اما مشکل معیارهایی از قبیل علم‌سنجی در این است که بیش از حد کمی است و ممکن است کیفیت‌گرایی (که اصل در فعالیت‌های علمی است) را تحت الشعاع قرار دهد و اینکه قدری صوری است و ممکن است به فرمایش علمی بینجامد.

ما در دبیرخانه جشنواره سعی کردیم فرآیند ارزیابی آثار به‌نحوی انجام شود که از نقاط قوت علم‌سنجی بهره‌مند شود و تا حد ممکن از آسیب‌های آن دور باشد. در گروه‌های پانزده‌گانه جشنواره، مساله کیفیت آثار برگزیده، همواره مورد تأکید قرار داشت و واقعاً سعی کردیم در کمیت و نمره و... متوقف نشویم. پرسش مشخص ما در ارزیابی آثار این بود که آیا اثر اگر بنیادی است، الگو یا نظریه یا نظام مفهومی خاصی ارائه کرده یا اثر اگر کاربردی است، راهکار عملی و اجرایی خاصی پیشنهاد داده و توانسته به گره‌گشایی و حل نیازهای مبتلا به کشور بپردازد یا نه؟

آیا فرآیند داوری آثار در جشنواره به اندازه کافی دقیق و سخت‌گیرانه است؟

جشنواره فارابی در همه ادوار خود، در ارزیابی آثار کاملاً سخت‌گیرانه و دقیق عمل کرده است. فرآیند مصوب داوری‌های جشنواره، بسیار دقیق، گاه پیچیده و نسبتاً زمان‌بر است.

کلیه آثار وارد شده به دبیرخانه جشنواره، ابتدا از جهات صوری پالایش می‌شوند، یعنی اگر اثری «پژوهشی» قلمداد نشود، مثلاً مجموعه مقالات باشد یا... در همان ابتدای کار، کنار گذاشته می‌شود. سپس آثار باقی‌مانده در گروه‌های علمی پانزده‌گانه جشنواره توسط اعضا بررسی اجمالی می‌شوند تا آثاری که برای ارزیابی همه‌جانبه مناسبند، تعیین شوند. این

آثار ابتدا توسط دو داور بیرونی خبره و متخصص مورد ارزیابی قرار می‌گیرند و کاربرگ ارزیابی همه‌جانبه توسط این دو تکمیل می‌شود. در مرحله بعدی اگر اثر از دو داوری قبلی حداقل امتیاز لازم را کسب کرده باشد، به دو داور بیرونی دیگر (داوران سوم و چهارم) سپرده می‌شود و کاربرگ ارزیابی همه‌جانبه توسط این دو نیز تکمیل می‌شود. گاه به‌دلیل اختلاف نظر میان این چهار داور، پیش می‌آید که اثر برای داوری پنجم نیز ارسال شود. نتایج داوری‌ها در شورای گروه علمی مطرح و کیفیت داوری‌های انجام شده به بحث و تبادل نظر دقیق گذاشته می‌شود و در نهایت گروه راجع به انتخاب آثار برتر در دو سطح بزرگسال (بالای ۳۵ سال) و جوان (کمتر از ۳۵ سال) و تعیین رتبه اثر (برگزیده اول، دوم، سوم یا شایسته تقدیر) تصمیم می‌گیرد.

اعضای کمیته‌های علمی پانزده‌گانه جشنواره فارابی یا چه معیارهایی انتخاب شده‌اند؟

در انتخاب اعضای گروه‌های علمی پانزده‌گانه، در این دوره نیز با دقت فراوان عمل شد. ریزنی‌هایی با استادان بنام علوم انسانی و اسلامی در کشور برای معرفی اعضای پیشنهادی به عمل آمد. تاکید بر این بود که این عزیزان تا حد امکان در مرتبه استادی باشند، چهره شناخته شده در جامعه تخصصی خودشان باشند، خودشان دارای آثار درخور و مطرح باشند، به لحاظ تخصص کل قلمرو موضوعی گروه مربوط را پوشش دهند و توازن لازم برقرار شود (چون مثلاً یک گروه جشنواره، گاه خودش از سه رشته مجزا اما مرتبط تشکیل شده است، مثلاً «گروه فلسفه، منطق و کلام» یا «گروه تاریخ، جغرافیا و باستان‌شناسی»، یک گروه است اما با سه رشته)، اعضا به لحاظ جغرافیایی از استان‌های دیگر غیر از تهران هم حضور داشته باشند، به لحاظ جنسیت از استادان خواهر نیز استفاده شود و...

اگر احیاناً محقق به نتیجه داوری اثر خود در جشنواره اعتراض داشته باشد، آیا به اعتراض او رسیدگی می‌شود؟

البته در همه ادوار جشنواره و از جمله در همین دوره، سعی بر این بوده است که نهایت دقت در فرآیند داوری‌ها به عمل آید. با این اوصاف اگر صاحب اثر به هر دلیلی نسبت به فرآیند داوری اثر خود اعتراض داشته باشد، قطعاً مورد بررسی قرار خواهد گرفت و نتیجه به او اعلام خواهد شد و این حق برای وی محفوظ است. طبعاً اگر اشتباهی از سوی دبیرخانه جشنواره رخ داده باشد، باید نسبت به احقاق حق صاحب اثر به‌نحو مقتضی اقدام شود، لیکن عرض می‌کنم تا آنجا که بنده مطلع شده‌ام، چنین موردی تاکنون در همه ادوار جشنواره اتفاق نیفتاده است.

چقدر جشنواره بین‌المللی فارابی قائل به آزاداندیشی و به رسمیت شناختن تنوع و تکثر افکار و آرای علمی است؟

جشنواره فارابی یک جشنواره علمی است و آزاداندیشی نیز از مهم‌ترین اقتضات هرگونه فعالیت علمی است. لذا جشنواره همواره سعی کرده است تا افکار و آرای علمی مختلف را به ارزیابی و داوری بسپارد و هیچ فکر و رای علمی خاصی را از فرآیند داوری خارج نکرده است.

به‌عنوان پرسش پایانی، آیا به نظر شما بخش بین‌الملل جشنواره فارابی با استقبال کافی از سوی محققان و استادان دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی خارجی روبه‌رو می‌شود؟ برنامه دبیرخانه جشنواره برای تقویت بخش بین‌الملل چیست؟

نه متأسفانه. همچنان در بخش بین‌الملل ضعف‌هایی وجود دارد؛ از جمله اینکه هنوز جشنواره فارابی در دنیا و حتی در جهان اسلام به حد کافی و لازم شناخته شده نیست و لذا محققان خارجی گاه اقبال جدی به جشنواره نشان نمی‌دهند. یا اینکه ارتباط گیری دبیرخانه جشنواره با دانشگاه‌ها و موسسات پژوهشی خارجی چندان مطلوب نبوده است.

البته همان‌طور که قبلاً عرض کردم، دبیرخانه جشنواره در بخش بین‌الملل منتظر ثبت نام محققان خارجی در سایت جشنواره نمی‌ماند و به‌گونه‌ای فعال‌تر خودش به جست‌وجو در اینترنت و شناسایی محققان ایران‌شناس، اسلام‌شناس و متخصص در علم دینی اقدام می‌کند. از این گذشته، هر ساله دبیرخانه جشنواره با موسسات داخل کشور که دارای ماوریت بین‌المللی هستند (مانند وزارت خارجه، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، ریزنی‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در خارج کشور و...) و نیز با استادان داخلی که با فضای علمی بین‌الملل کاملاً آشنا و مرتبط هستند، مکاتبه و درخواست می‌کند تا محققان خارجی بنام رابه دبیرخانه معرفی کنند.

همان‌طور که عرض کردم، لازم است دبیرخانه جشنواره، در آینده، یک شبکه نخبگانی از برگزیدگان خارجی جشنواره در همه ادوار تشکیل دهد و از ظرفیت مطلوب این شبکه نخبگانی در شناسایی محققان خارجی بنام استفاده کند.

این که گاه گفته می‌شود دانش را نمی‌توان یا نباید جهت‌دهی کرد، به‌نظم قدری سطحی‌نگری یا میل به غفلت از واقعیت است. این قبیل جشنواره‌ها اگر منصفانه، عالمانه و دقیق عمل کنند، می‌توانند به حرکت‌های آینده علوم انسانی (چه در عرصه آموزش و چه در عرصه پژوهش و حتی در عرصه‌های گفتمان‌سازی و کاربردی‌سازی این علوم) جهت‌دهند